



۲۰۱۶/۰۲/۱۱

حمید انوری

"فاجعه افشار" هرگز فراموش نمی شود



بیست و سه (۲۳) سال از فاجعه خونین و استخوان سوز "افشار" میگذرد، اما جنایتکاران خونریز "افشار"، نه تنها مورد هیچگونه بازپرس ای قرار نگرفتند، بلکه برابر با جنایت شان پادش هم گرفتند و تا امروز هم مقامات بزرگ کشوری و لشکری را تصاحب کرده و خمی هم بر ابرو نیآورده اند.

به تاریخ دهم و یازدهم فیروزی ۱۹۹۳ جنایت گستران خونریز و بی رحم شوای نظار به سردمداری احمد شاه مسعود و با همکاری های گسترده مالی - نظامی برهان الدین ربانی، رسول سیاف، قسیم فهیم و یک مشت جنایتکار دگر که در عکس بالا چهره های منحوس عده از آنها دیده می شود، به شمول عبدالله و قانونی و...، طرح حمله بر "افشار" را از چهار سو و شش جهت عملی کردند و خلقی را به خون و آتش کشیدند. وسعت جنایت چنان گسترده بود که در دو روز محاصره و حمله، "افشار" زیبا به تلی از خاک و میدانی از خون مبدل گردید.

دو روز پیهم چنان با وحشت و دهشت و ددمنشی و قساوت "افشار" را زیر ضربات پیهم و بلاوقفه توپ و تانک و راکت و هاوان قرار دادند که نه از تاک نشان ماند و نه از تاکنشان.

در یازدهم فیروزی بعد از آنهمه وحشت و ددمنشی و بعد از آنکه مطمئن شدند دیگر دستی در ماشه قرار ندارد، ایله جاران شورای نظاری و متحدین جنایت گستر و خونریز و وحشی شان به فرمان مستقیم "مسعود-ربانی" و "قسیم فهیم"، "قانونی" و "رسول سیاف" و "عبدالله عبدالله" که با احمدشاه مسعود از بالای کوه

تلویزیون نظاره گر آن وحشت کبرا بودند، قوای پیاده را که متشکل از هزاران جانی و ددمنش و دزد و رهن و قاتل بودند، به داخل افشار ویرانه و غرق در خون و آتش گسیل داشتند تا هیچ انسانی را زنده نگذارند. اکنون دیگر قیامت کبرا و صحرای محشر مبدل گشت، مردان پیر و زخم خورده را بلافاصله از دم تیغ کشیدند و تجاوزات وحشتناک بر زنان و دخترکان و کودکان آغاز شد. فریاد خلق خدا از آسمان هفتم هم گذشت، ولی آن جنایتکاران سنگ دل گوئی از تولد کر بوده است. آن وحشی صفتان ددمنش چنان غرق در جنایت و بربریت خود بودند که تو گوئی هرگز نبود از پی امروز، فردائی.

جنایت و خیانت و ظلم و تجاوز و قساوت و وحشت آن شرف باختگان تاریخ را حد و مرزی نبود. برای آنان دستور داده شده بود که نشانی از آبادی و زنده جان در آن منطقه نگذارند.

سازمان دیده بان حقوق بشر در مورد فاجعه افشار گزارش مفصلی تهیه کرده و با شاهدان عینی آن جنایت تاریخ و نیز عده از عاملین آن جنایت وحشتناک گفت و گوهای مفصلی بعمل آورده که مشت نمونه خروار و زره از بسیار خدمت هموطنان تقدیم میگردد: "رحیم کنگ فو" یکی از وحشی ترین قوماندانان "شورای نظار" در مصاحبه اش گفته است: "ما در تایمنی - کابل - منطقه هزاره نشین وارد شدیم در یک روز ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر را کشتیم، اتفاقاً در یک خانه هزاره وارد شدم، یک طفل شیر خوار را دیدم، برچه کلاشینکوفم را به دهنش گذاشتم، شروع کرد به مکیدن، من هم تا حلقش فرو بردم و کشتمش.}

حال هموطنان خود عمق فاجعه را درک کنند که هرگز در تاریخ افغانستان سابقه نداشته است. و گوشه دیگری از جنایت افشار از همان منبع ("... تجاوز جنسی توسط نیروهای اتحاد در جریان عملیات افشار، قوای اتحاد اسلامی سیاف برای بیرون راندن مردم غیر نظامی از منطقه از تجاوز جنسی و دیگر حملات علیه غیر نظامیان استفاده کردند. پروژه عدالت افغانستان همراه تعدادی از شهادانی که شرح واقعات تجاوز جنسی توسط قوای اتحاد در جریان عملیات افشار را داده اند، مصاحبه کرده است. شهادی بنام م. از دست و پایش زخمی شد، زمانی که نظامیان اتحاد به پسرش فیر کردند.

وی بیان داشت: " در حالیکه هنوز از من خون می رفت، آنها به من تجاوز کردند ". وی اظهار داشت که سه عسکر وی را پایین نگهداشته در حالیکه چهارمی به وی در زیرزمین خانه خودش تجاوز جنسی کردند. چندین زن دیگر نیز به خانه "م" پناه آورده بودند: یک همسایه بنام ز. و دو دخترش و یک زن دیگر بنام ر. نظامیان اتحاد به دو دختر ز. که ۱۴ ساله و ۱۶ ساله بودند و زنی بنام ر. تجاوز کردند. عسکران آنها را به نوبت به زیرزمین برای تجاوز بردند.

یکی از دختران ز. توسط برچه زخمی شد، وقتی که وی کوشش برای مقاومت می نمود. یکی دیگر از شاهدان زن بنام س. بیان داشت که مردان مسلح به خانه اش در افشار سیلو در روز دوم عملیات افشار هجوم آورده بودند. آنها وی را لت و کوب کرده و به خودش و خواهرش در خانه شان تجاوز کرده و دارائی هایشان را به یغما بردند...)

البته قصه های دردناک و سرگذشت های وحشت انگیز بازماندگان این فاجعه عظیم تاریخ با هزاران درد و دریغ که سر دراز دارد و صرف قطره از ابحار و زره از بسیار را " پروژه عدالت افغانستان"، با اسناد و

شواهد زنده بیان داشته است که از نظر هموطنان گذشته است و میگذرد هنوز و هنوز هم مطالعه این اسناد لرزه براندام مستولی میکند و بغض اندر گلو میگیرد و اشک بی اختیار فرو میریزد و بر هرچه جانی و جنایتکار و جنایت گستر است، مرگ سخت دردآور و تدریجی آرزو میکنی.

در مورد جنایات شورای نظاری ها و متحدین بی آرم شان در "افشار" هرچه بیش بنویسیم، کم است و نمی خواهیم زخم های خونین بازماندگان شهدای "افشار" را ناخواسته تازه کنیم، اما جنایتکاران وحشی صفت و ددمنش فاجعه استخوان سوز "افشار" و هر جنایت دیگر، به شمول "عبدالله عبدالله"، "قانونی"، بازماندگان "ربانی-مسعود و قسیم فهیم"، "بسم الله محمدی" که نه از نام خدا و نه هم پیامبرش در او ذره ای نشان است، و نیز دیگر شرکای جرم و جنایت و خطا و خیانت شان آگاه باشند که تاریخ حافظه قوی دارد و مردم هم هرگز نمی گذارند که این جنایت عظیم فراموش شود. روز حساب با جانین جنایتگستر نزدیک است.

درود بی پایان بر روان پاک شهدای فاجعه "افشار"

ننگ و نفرین بر جنایتکاران بی آرم شورای نظاری و پادوان تنظیمی شان

